

## ترویج احترام به هنجارها و قواعد حقوق بشری در سایه گفتگوهای میان دینی

۹

دو فصلنامه مطالعات  
حقوق بشر اسلامی

سید علی حسینی آزاد و همکار  
ترویج احترام به هنجارها و قواعد حقوق بشری در سایه گفتگوهای میان دینی

سید علی حسینی آزاد<sup>۱\*</sup>

حجه الاسلام مسعود راعی<sup>۲</sup>

۱. کارشناس ارشد حقوق بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی و مدرس دانشگاه، تهران، ایران.  
۲. استادیار دانشکده حقوق، الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، اصفهان، ایران.

### چکیده

به رغم پیدایش قواعد نوشته و عرفی متعدد حقوق بشری، جامعه بشری کماکان شاهد تضعیف این حقوق به دست دولتمردان در زیر چتر توجیهات حقوقی و به ظاهر مشروع می باشد که محاکم و دیوان های بین المللی نیز همواره از این نقیصه متأثر گشته اند. از بارزترین عواملی که همیشه و در همه جا منجر به دگرگونی اجتماعی افراد اعم از تحولات خوب و بد شده است، رویکردهای اعتقادی آنان بوده که بیت الغزل آن، «نگرش های دینی» می باشد. نگرش های دینی به رغم اینکه حداقل در ادیان ابراهیمی در اصل واحد هستند، اما بالطبع در فروع و عمل از هم قدری دور هستند که این تفاوت آنان را به سمت و سوی سوق دهد که ضوابط سیطره ی حکمرانان بر حکمبران نیز وامدار آن نگرش ها شده و جنبه ی اعتقادی و تبعیض آمیز به خود می گیرد. اجتناب از این نقیصه میسر نخواهد شد مگر به یمن تبادل افکار و عقاید میان دینداران و ادیان بزرگ. این تبادل اندیشه ها، به سه نتیجه ختم می شود: وحدت نسبی و احترام متقابل و آگاهی کامل تر (در رابطه با حق ها). این مقاله، با کاوشی در رویه های عملی دولت ها، مدارک موجود و سوابق قضایی محاکم بین المللی، ضمن بررسی نواقصی که در رویه ی بین المللی مشاهده کرده و ریشه ی آنان را دور بودن ادیان از یکدیگر می داند، سعی در ارائه ی طرحی جامع دارد که بنا بر یافته های آن، یکی از راه های تحقق احترام و رعایت جهانی حقوق بشر که در بستر اسناد بین المللی توانسته است به نحو اکمل عینیت یابد، گفتگوی میان ادیان الهی و استفاده از اندیشه های متقابل آنان است.

**واژگان کلیدی:** گفتگو، ادیان الهی، حقوق بشر، تبعیض، هم زیستی مسالمت آمیز، وحدت.

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً  
(سورهی آل عمران، آیهی ۶۴)

### مقدمه

جامعه‌ی جهانی در بستر اعصار و قرون و در آینه‌ی زمان و مکان به بشریت ثابت کرده است که بین اعضای آن از نظر اعتقادی بسی فراق افتاده است و این بُعد خارج از تحمل عقیدتی، توالی فاسد بسیاری داشته که می‌توان وقوع جنگ‌های وحشیانه و هم‌چنین نقض‌های گسترده‌ی حقوق بشر و ارتکاب بی‌رحمانه‌ی جنایات علیه بشریت بر مبنای اختلاف آیین را از هولناک‌ترین آن‌ها دانست.

پیروان ادیان الهی، علی‌الخصوص ادیان ابراهیمی، به رغم اشتراک در سرچشمه‌های اعتقادی و بنیان‌های ارزشی، باز هم به گونه‌ای ناگوار سر ستیز به هم نشان داده‌اند و از این رهگذر زمینه‌های ارتکاب نقض‌های گسترده‌ی حقوق بشری را فراهم آورده‌اند. این عملکرد ناصحیح، از سطح توده‌ی مردم فراتر رفته و بر جبین حاکمان، دولت‌مردان، قضات و مجریان نیز نشسته است. بدیهی است، زمانی که همه‌ی این صاحب‌منصبان از دامن جامعه‌ای برخاسته‌اند که از ریشه فاقد حس دیگرپذیری، قبول عقاید مخالف و رفتار مسالمت‌آمیز با دینداران مقابل می‌باشد، ناگزیر نمی‌توانند در سمت خود نیز از پیشینه‌ی رفتاری و اعتقادی خود دوری گزینند و در نتیجه، تعصبات و روحیات دیگر ستیزی آن‌ها بر عملکرد و تصمیمات آن‌ها تأثیر خواهد گذاشت. مبرهن است که نتایج ویران‌گر عملکرد نادرست صاحبان قدرت چه در سطح داخلی و چه بین‌المللی، بسی فزون‌تر و تباه‌کننده‌تر از رفتار عامه است.

بنابراین، تنها راه گریز از این مسلخ، محو دلیل این رفتارهای تبعیض‌آمیز و ناشایست، یعنی برداشتن فاصله‌های میان ادیان و عقاید است. پیشینیان و بسیاری از اندیشمندان در گذشته و حال نیز بر ضرورت این تقریب‌انگشت تأکید نهاده‌اند. در واقع آنان به درایت دریافته‌اند که دور شدن ادیان از همدیگر، جز تباهی جوامع انسانی را در پی نخواهد داشت.

این مقاله، نظر به مقدمات فوق، بر آن است تا به اثبات و احراز این مسأله بپردازد که آیا می‌توان گفت روشی صحیح و خوب برای از بین بردن فاصله‌های میان ادیان و امحای آثار مخرب آن، «گفتگوی بین ادیان» است. فرض بر مثبت بودن پاسخ این سؤال

است و در این هنگام، بر پایه‌ی این رخداد بایستی در انتظار رویش برابری، وحدت، تعامل‌گرایی، تحمل‌پذیری و عدم تبعیض در رفتار پیروان و سران ادیان مختلف نشست و تنها با حصول این نتایج است که جامعه‌ی بشری قادر می‌شود که اولاً، از وقوع بسیاری از نقض‌های حقوق بشری که صرفاً بر مبنای عقیده و دین ارتکاب می‌یابد حذر کند و ثانیاً، از این هم فراتر رفته و با تبادل اندیشه‌ها و ارتقاء معرفت دو طرف، در مواردی که صحبت از نقض حقوق بشر بر مبنای اختلاف عقیده نیست، نیز میزان سودمندی کمی و کیفی عملکرد حاکمان، مجریان و محاکم در سطح داخلی و بین‌المللی را در اجرا و تضمین حقوق بشر بالا ببرد.

موضوع حاضر در ادبیات حقوقی هیچ پیشینه و مورد مشابهی نداشته و هرچند در گفتمان مذهبی و دینی گاه از گفتگو سخن به میان آمده است اما در رابطه با بهره جستن از این نوع گفتگو در جهت رعایت و گسترش احترام به هنجارهای حقوق بشری هیچ‌گونه بحث علمی و به طور خاص حقوقی در دست نیست.

بنابراین، مقاله بر این ساختار تنظیم می‌شود که ابتدا بحران و واقعیت تلخ دوری ادیان و پیروان آن‌ها از هم تبیین می‌شود و سپس مواردی عینی بر مبنای حقایق علمی در خصوص نقض حقوق بشر که ریشه‌ی آن را تبعیض‌های دینی است بیان می‌شود و سپس مقاله درصدد اثبات این نظریه بر می‌آید که چگونه گفتگوی میان ادیان می‌تواند از موارد نقض‌های حقوق بشر کاسته و احترام به کرامت انسانی را توسعه دهد.

## ۱. دوری ادیان الهی از همدیگر و آثار آشکار آن در جامعه‌ی بین‌المللی

روابط اعضای جامعه‌ی بین‌المللی با یکدیگر و نیز در قبال افراد بایستی نقب زده شود تا ببینیم چه حد از پریشانی جوامع انسانی، ثمره‌ی اختلافات دینی و اعتقادی و در یک کلام عدم فهم متقابل دین باوران است.

### ۱-۱. مختصری بر جایگاه ادیان مختلف و تعاملات آن‌ها با هم

جوامع بشری از دیرباز به دلایل گوناگون با یکدیگر سر ستیز داشته و همواره یکی از علل چشمگیر این تنازع و درگیری، اختلافات دینی و مذهبی و عقیدتی بوده است. حقوق نوپای بین‌الملل نیز به مراتب از این گونه اختلافات مصون نمانده و به کرات شاهد درگیری‌های اعضای جامعه‌ی بین‌المللی بر پایه‌ی نگرش‌های دینی بوده است. فارغ از منازعاتی که بُعد خارجی داشته‌اند، در اندرون مرزهای هر کشور نیز که متشکل از گروه‌های اعتقادی متمایز بوده است، همواره شاهد مخاصمه و ستیزه‌جویی میان این

گروه‌ها با یکدیگر یا با حکومت مرکزی بوده‌ایم. دلایل عمده‌ای این درگیری‌ها را موجب می‌شود، اما همیشه یکی از دلایل پر اهمیت در بسیاری از این درگیری‌ها تفاوت‌های عقیدتی بوده است.

ادیان گوناگون به رغم تعاملاتی که با هم دارند، در زمینه‌های فراوانی با همدیگر متفاوت هستند. این تمایزها و افتراقات گاهی آن‌چنان شدید می‌شود که برخی کشورها، دولت مقابل را به صرف گرایش به یک دین خاص به اعمال ناشایستی متهم می‌کنند و در طرف دیگر نیز حسی مشابه شکل می‌گیرد، (EUMC, 2006: 8 and 60) و در مراتب بالاتر به نزاع و درگیری می‌انجامد.

در نتیجه‌ی این رویدادها است که برخی از اندیشمندان می‌گویند: «می‌بینیم که یهودیان در مقابل اعراب، کاتولیک مقابل پروتستان و صرب‌ها رو در روی مسلمانان هستند». (Trimel, 1998: 1)

## ۲-۱. پیامدهای مخرب دوری ادیان از یکدیگر بر جامعه‌ی بین‌المللی

### ۱-۲-۱. اعتقادات دینی متمایز و نقض حقوق بشر

نمونه‌های بسیاری در دست است که علل و زمینه‌های نقض‌های عمده‌ی حقوق بشری در پیوند با اعتقادات مذهبی و دینی قربانیان بوده است و این حقیقت تلخ به دستن بسیاری از حاکمان رقم خورده است. نقض‌های حقوق بشری که بر پایه‌ی اعتقادات دینی رخ می‌دهد دو صورت دارد. یا فرد قربانی به علت اعتقادات دینی خود مورد تبعیض در برخورداری از حقوق واقع می‌شود و یا در اعمال حق‌های دینی خود دچار صعوبت می‌شود.

همیشه یکی از جوانب تبعیض در برخورداری از حقوق بشر افتراقات دینی و عقیدتی بوده است و این نگرانی در اکثر اسناد جهانی حقوق بشری دیده می‌شود.<sup>۱</sup> در برخی جوامع، پیروان برخی ادیان یا مذاهب به صرف تمایز در دین یا عقیده از حقوق اولیه‌ای چون دسترسی به بهداشت و آموزش نیز محروم هستند.<sup>۲</sup>

در پرونده‌ای نزد کمیسیون آفریقایی حقوق بشر که نظیر آن بسیار است، نقض‌های گسترده‌ای را به دولت سودان علیه مسیحیان این کشور نسبت دادند. در آن‌جا بیان شد که غیر مسلمانان از ساختن کلیسا و حضور در آن ممنوع هستند و کشیشان مورد آزار واقع می‌شوند و نمونه‌هایی از بازداشت‌های خودسرانه و ممنوعیت از دسترسی به کار و غذا در حق مسیحیان دیده شده است (ACHPR, Com No: 48/90, 50/91, 52/91 and)

ACHPR, Com) (89/93, para. 20) که کمیسیون نیز همه‌ی این ادعاها را محرز دانست. (No: 48/90, 50/91, 52/91 and 89/93, para. 76) در اروپا، تبعیض‌های دینی به ویژه علیه مسلمانان رو به افزایش است و به خصوص در رسانه‌ها پیوندی منفی میان اسلام و تروریست ایجاد شده است. (European Network against Racism, 2007: 4) گزارشی از مرکز اروپایی نظارت بر نژادپرستی و بیگانه‌هراسی<sup>۲</sup>، بیان می‌دارد که مسلمانان قربانیان غالب تبعیض هستند.<sup>۳</sup> (EUMC, 2006: 8 and 60) در انگلستان، مسلمانان و از جمله هندوها و سیک‌ها، مورد رفتارهای غیرعادلانه در زمینه‌های آموزش، استخدام، مسکن، قانون و خدمات دولتی محلی واقع می‌شوند. (Weller, 2011: 26) پدیده‌ی اسلام‌هراسی نیز اگر در شریان‌های مردم اروپا جاری شده است، نه به صرف عملکرد بد اندک مسلمان‌نام‌ها، که بخش عمده‌ای نیز ریشه در رفتار تبعیض‌آمیز و کلی‌نگر حاکمان قاره‌ی سبز دارد. (Weller, 2011: 26)

آسیا نیز از یوغ نقض‌های حقوق بشری مبتنی بر عقیده محفوظ نمانده است. در ویتنام اقلیت‌های دینی که به رسمیت شناخته نشده‌اند توسط مقامات ملی و محلی مورد آزار قرار می‌گیرند.<sup>۴</sup> (U.S. Department of state, 2012: 3) در عربستان سعودی شیعیان دچار تبعیض‌هایی بسیار هستند و مقامات مراسم‌های عمومی آنان را محدود می‌کنند و از بسیاری حق‌های اساسی نظیر استخدام و فرصت‌های آموزشی (U.S. Department of state, 2012: 4 and 7) و حتی دسترسی به عدالت محروم‌اند. (Human Rights Watch, 2012: 5) در روسیه، مقامات حکومتی، اقلیت‌های دینی را بازداشت کرده یا کارگران اقلیت‌ها را ممنوع‌الکار می‌کنند. (U.S. Department of state, 2012: 4) در کنار همه‌ی این واقعیات، چشم بر قضیه‌ی تادیب هرگز نمی‌توان بست که در آن بارها تأکید بر نقض گسترده‌ی حقوق بشر به دلایل دینی علیه مسلمانان و سایر شهروندان غیرصرب صورت گرفت.<sup>۵</sup>

## ۱-۲-۲. اعتقادات دینی متمایز و وقوع مخاصمات مسلحانه

از دیرباز در موارد عدیده‌ای اختلافات عقیدتی و دینی منتهی به جنگ‌های خونین می‌شده است. در جهت ایجاز نوشتار ناچار باید از سیر تاریخی و ذکر موارد کهن دست شست، لیکن نمی‌توان از جنگ‌های ویرانگر ناشی از اختلافات دینی در چند قرن اخیر سخن نگفت.

«چارلز پنجم»<sup>۶</sup> (امپراتوری مقدس روم و امپراتور اسپانیا و پادشاه آلمان بین سال‌های ۱۵۵۶-۱۵۱۶) در زمان وقوع جنگ شمال‌کالدیک<sup>۷</sup> به سال ۱۵۴۶ این‌گونه خطاب به

خواهرش «ماری» سخن می‌گوید: «من علیه متجاوزان به قلمرو دوک براونشوویک<sup>۹</sup> باید وارد جنگ شوم، اما این بهانه نمی‌تواند این حقیقت را بپوشاند که علت [اصلی] این حضور، موضوع مذهب است تا مرتدان را جدا سازم» (Reppen, 1987: 319). برخی از نویسندگان نیز در تحلیل جنگ‌های رخ داده در اروپا بین سال‌های ۱۵۳۶-۱۴۰۰ میلادی بیان داشته‌اند که «جنگ‌های مذهبی» رفته رفته به «جنگ مذاهب» تبدیل می‌شده است. (Housley, 2002: 194-205)

خون‌بارترین جنگ مذهبی، جنگ‌های سی ساله‌ی میان پروتستان و کاتولیک در سال‌های ۱۶۱۸ الی ۱۶۴۸ میلادی می‌باشد که اروپای مرکزی را به مدت سی سال در کام خود فرو برد و در نهایت با انعقاد معاهدات صلح وست‌فالی خاتمه یافت.<sup>۱۰</sup> در فرانسه نیز شاهد جنگ‌های مذهبی بوده‌ایم که در زمان سلطنت هنری دوم<sup>۱۱</sup> آغاز و در زمان هنری چهارم پایان یافت. (۱۵۹۸-۱۵۶۲م) این جنگ‌ها نیز میان کاتولیک‌ها و پروتستان‌های فرانسه روی داد. (Knecht, 2002)

بر نمونه‌های فوق، حوادث و جنگ‌ها و درگیری‌های روی داده در چند سال اخیر کشورهای جنوب آفریقا را نیز باید افزود. در حالی که جهان نظاره‌گر فینال جام جهانی ۱۱ جولای ۲۰۱۰ در آفریقای جنوبی بود، دو بمب در کامپالا و اوگاندا منفجر شد که بیش از ۷۰ کشته بر جای نهاد که بعدها گروهک اسلامی سومالیایی الشباب مسئولیت این انفجار را بر عهده گرفت. درگیری‌های مذهبی به سومالی یا اوگاندا محدود نمی‌شود. در مالی، در نیمه‌ی سال ۲۰۱۰ گروهان فرانسوی به دست یکی از ارکان القاعده در شمال آفریقا به قتل رسید. در نیجریه، برخوردهای خونینی میان مسلمانان و مسیحیان رخ داد که صدها قربانی در طی دو سال بر جای نهاد. مخاصمات مسلحانه در اتیوپی، اریتره و سودان نیز با مذهب یا دین پیوند داشته‌اند. (Basedau & Vüllers, 2010: 2) و اکنون نیز خاورمیانه بدترین رخدادهای تاریخی خود را در پی پیدایش گروه تکفیری «داعش» تجربه می‌کند که به نام دین از هیچ سبعت، قساوت و اعمال ددمنشانه‌ای فروگذار نیستند.

### ۱-۲-۳. اعتقادات دینی متمایز و ارتکاب جرایم بین‌المللی

به چند نمونه‌ی انگشت شمار از مواردی که دین یا عقیده علل اصلی موضوع جنایت واقع شدن یک گروه بوده است اکتفا می‌کنیم هرچند نمونه‌های آن بسیار است. در سال‌های ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۳ در کرواسی قریب به ۶۰۰۰۰۰ یهودی، بزرگ و کوچک، زنده زنده به دست مسیحیان کاتولیک سوزانده شدند. جنایات نازی‌ها را علیه یهودیان هرگز از یاد نمی‌توان برد. به سال ۱۹۹۴ در رواندا بالغ بر یک میلیون نفر توتسی و

هوتوهای میانه رو به دست کشیش ها و راهبه های کاتولیک رومی قصابی شدند. تقریباً هیچ کلیسایی در رواندا وجود ندارد که در آن نشانی از آوارگانی که در آنجا به طور وحشیانه سلاخی شده یا در برابر صلیب سوزانده شده اند، موجود نباشد.<sup>۱۲</sup>

در حال حاضر، نیز آنچه در آفریقای مرکزی، سوریه و میانمار در حال رخداد است، همه جنایاتی به علت عقیده اند. در سوریه، دولت اهداف و تجسس خود را نسبت به افراد گروه های معتقدی که «تهدید» به نظر می رسند، از جمله پیروان مذاهب دیگر، افزایش داده است. این اعمال شامل کشتار، حبس و اذیت و آزار است. گزارش های معتبری وجود دارد که رژیم، شهروندان دارای تعلقات مذهبی را مورد هدف قرار داده است. (U.S. Department of state, 2012: 4) شبه نظامیان مسیحی که در حال حاضر<sup>۱۳</sup> دست به کشتار و آواره نمودن مسلمانان در پایتخت آفریقای مرکزی زده اند نیز آیتی دیگر از خشونت های بی رحمانه ی مذهبی است. این وقایع به همراه آنچه در آنگولا و میانمار علیه مسلمانان روی می دهد در بهت مرگبار سکوت جهانیان (مسلمان و غیرمسلمان) روزهای تاریکی را برای آینده ی پیروان ادیان ابراهیمی رقم زده است. به گفته ی دیده بان حقوق بشر شبه نظامیان مزبور بیان داشته اند که قصد پاکسازی آفریقای مرکزی را از مسلمانان دارند<sup>۱۴</sup> و سرپرست موضوع در دیده بان حقوق بشر بیان می کند که اگر این روند ادامه یابد، دیگر مسلمانی در آفریقای مرکزی باقی نمی ماند.<sup>۱۵</sup>

## ۲. ضرورت گفتگوی میان ادیان در جهت ترویج حقوق بشر

این گفتار، با امعان نظر به کاستی هایی که جامعه ی جهانی در رفتار با ادیان و عقاید متنوع در خود دارد که بخشی از اهم آن ها در گفتار پیشین بیان شد و نیز با توجه به رویه ی فعلی کشورها، حاکمان و مراجع قضایی بین المللی سعی در بیان ضرورت گفتگو میان ادیان دارد.

جهان، در زمینه های گوناگون محتاج گفتگو است، اما «در قلب همه ی گفتگوها، گفتگوی میان ادیان قرار دارد، چرا که دین جامع ترین دیسیپلین بشریت، معرف معنی غایی زندگی و چگونه زیستن است». (Swidler and Mojzes, 2000: 2) گفتگوی میان ادیان به منظورهای متعددی می تواند انجام گیرد که بر صدر آن نیل به وحدت نسبی و چنگ زدن به اشتراکات نشسته است. از ثمرات دیگر این گفتگوها، احترام متقابل و افزایش آگاهی در زمینه ی حقوق و تکالیف دینی می باشد. اکثر ادیان الهی و بالخصوص ادیان ابراهیمی بدون تردید آغاز و فرجامی یکسان دارند،

یعنی در نهایت ارزش‌هایی مشترک را تداعی می‌کنند<sup>۱۶</sup> (Buck, 201: 1-2) که با چنگ زدن به این اشتراکات و پنهان نمودن اختلافات می‌توان به فهمی یکسان رسید و تمام ترک‌تازی‌ها را از حافظه‌ی تاریخ گرفت.

هرچند جهانیان چندین بار شاهد گفتگوهای میان ادیان در خصوص ایجاد و بقای صلح بوده‌اند<sup>۱۷</sup>، اما یادآوری حق‌های بشری مشترک نیازمند گفتگوهای جزئی‌تر و مجزایی است. اعلامیه‌ی برلین در خصوص گفتگوی بین ادیان ضمن تأکید بر مشابهت‌ها (Euro-pean Council of Religious Leaders, 2008: Art. 2) و تأیید یکپارچگی باورهای ادیان مختلف، (European Council of Religious Leaders, 2008: Art. 6) یکی از اهداف گفتگوی میان ادیان را ترویج احترام به حقوق بشر می‌داند و بیان می‌دارد که «گفتگوی میان ادیان بایستی به ارزش‌های مشترکی که در همه‌ی ادیان بزرگ یافت می‌شود و در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر نیز تجسم یافته است، توجه کند». (European Council of Religious Leaders, 2008: Art. 3) و به زعم این اعلامیه، التزام به حقوق بشر منجر به نادیده انگاشتن دیدگاه‌ها و نظام اخلاقی و تفاسیر متنوع نمی‌شود. در این زمینه، رهبران و پیروان ادیان بایستی متقاعد شوند که دیده بر تفاوت‌ها بسته و پای بر ارزش‌های اخلاقی مشترک بفشارند (Mokhtari, 2013: 84) و قدم‌هایی برای رسیدن به برخی از این آرمان‌های مشترک نظیر عدالت اجتماعی، حقوق بشر و جلوگیری از جنگ و خشونت بردارند. (Mirdamadi, 2011: 26)

بر خلاف آنچه به نادرست و علی‌الخصوص علیه اسلام مطرح می‌شود که برخی ادیان الهی و از جمله اسلام تنها دین تکلیف بوده و حقی را برای افراد شناسایی نمی‌کنند، باید تأکید کرد که این دین و سایر ادیان الهی، در مقام تشریح، حق‌های غیرقابل عدول شهروندی، سیاسی و اجتماعی متعددی را به افراد اعطا کرده‌اند. (Rasoulipour, 2011: 49)

اعلامیه‌ی تیرانا نیز بیان می‌دارد که «ما متعهد به بنا و استمرار روابط حسنه‌ی متقابل هستیم. ما بر آنیم که گفتگو باید بر محور دموکراسی، حاکمیت قانون و احترام به حقوق بشر و کرامت افراد انجام شود. هرگونه تمرکزگرایی نامتناسب با گفتگو است». (The Tirana Declaration, 2004: art. 2) در خصوص ایجاد آگاهی و احترام متقابل نیز این اعلامیه بیان می‌دارد که «ما می‌پذیریم که اعتقادات و اعمال دینی، هم‌چنین ارزش‌های اخلاقی و سنت‌ها تأثیر و پیامدی بنیادی بر نظام‌های آموزشی و کیفیت آن‌ها دارد. بنابراین، ما خود را متعهد به آموزش نسل جدید اروپا در روحیه‌ی جمعی، احساس



تدریجی بخشش به جای کینه، ارتقای بردباری، فهم و هم‌زیستی و نه درگیری و خشونت و تقویت آموزش شهروندی و رعایت حقوق بشر می‌دانیم». (The Tirana Declaration, 2004: art. 15)

فارغ از مباحث نظری که در توجیه ضرورت این گفتگو آمد، به آن دسته موارد عملی نیز باید نظر افکند که فرقت ادیان از یکدیگر و عدم آشنایی آنان با هم نمایان است. به مراجع قضایی بین‌المللی که بنگریم، می‌بینیم که پرونده‌های بسیاری در خصوص حق‌های بشری نقض شده نزد آن‌ها مطرح می‌شود. اما این سؤال ذهن محقق را به خود مشغول می‌سازد که در مواردی که طرف آن‌ها ادعای حقی دینی را می‌کند و یا خود آن فرد از پیروان دینی دیگر است، آن‌گاه برخورد این مراجع چگونه است؟

در نگاه آغازین باید به قضات غیرغربی دیوان بین‌المللی دادگستری که بسیاری از آنان مسلمان بوده‌اند رو کرد. اولاً می‌بینیم که این قضات در اتخاذ تصمیم و اعلام نظرات خود در دیوان به مراتب محافظه‌کارتر از قضات غربی هستند (Lombardi, 2007: 25) و این‌گونه به نظر می‌رسد که این محافظه‌کاری از بیگانه بودن سایر قضات و حتی در مواردی خود قضات اسلامی با مقررات و اصول این دین ناشی می‌شود.<sup>۱۸</sup> دیگر آن‌که، در قضیه‌ی صحرای غربی می‌بینیم که قاضی عمون بیان داشت که جامعه‌ی بین‌المللی در قرن بیستم شاهد شناسایی دولت‌هایی بوده است که هویت آن‌ها در دایره‌ی دین تعریف می‌شود. بنابراین، دین و اعتقادات دینی به نظر می‌رسد که دست‌کم در برخی شرایط به عنوان هویت ملی در نظر گرفته شود. (ICJ Reports, 1975: 98-99) وی پیوندهای دینی مسلمانان مراکش را عنصر تشکیل‌دهنده‌ی پیوندهای حقوقی دانسته و از کم‌توجهی دیوان به این موضوع انتقاد می‌کند. (ICJ Reports, 1975: 90)

به هر حال، جز در یک مورد، دیوان بین‌المللی دادگستری در آرای رسمی خود ارجاعی به حقوق اسلامی به عنوان یکی از ادیان بزرگ نداده است. تنها مورد استثنا بر این امر، در قضیه‌ی گروگان‌گیری کارکنان سفارت آمریکا در تهران اتفاق افتاد که در آن دیوان به دلایلی که برای ما مشخص نیست، «سنت و آداب اسلامی» را مبنایی برای استدلال خود و تعهد ایران به حمایت از اماکن دیپلماتیک قرار داد.<sup>۱۹</sup> (ICJ Judgment, 198: 40) که این کار در رویه‌ی دیوان بسیار غیرعادی می‌نماید.<sup>۲۰</sup>

در قضیه‌ی لاکربی نیز قاضی اختصاصی منتخب لیبی در توجیه انتقادات خود از موضع دیوان به حقوق اسلام اشاره نمود و آن را مستند قرار داد، (ICJ Judgment, 1998: 217) اما دیوان طبق معمول در رأی رسمی خود سنت دیرینه‌اش را زیر پا نگذاشته و به قواعد

اسلامی به عنوان یکی از نظام‌های بزرگ حقوقی دنیا اشاره‌ای ننموده است. در نهایت، حقوق اسلامی در رویه‌ی دیوان تا الان همیشه در حاشیه بوده و بسیار اندک و آن هم گاهی اوقات از سوی قضات در نظرات انفرادی آن‌ها مورد استناد واقع شده است. چنین اتفاقی حتی در خصوص احراز رویه‌ی اسلامی برای استخراج یک عرف به عنوان منبع حقوق بین‌الملل نیز نیفتاده است. این در حالی است که دیوان به انجای گوناگونی توان و ظرفیت پرداختن به این حقوق را داشته و دارد. (ICJ Judgment, 1998: 217)

در اروپا، عملکرد دوگانه‌ی دیوان اروپایی حقوق بشر<sup>۲۱</sup> و کمیسیون اروپایی حقوق بشر<sup>۲۲</sup> بیشتر مشهود است. این مراجع به خصوص در پرونده‌های مربوط به تبعیض‌های مبتنی بر عقیده و دین و یا حق‌های دینی بدون تردید دچار تشویش و پراکندگی رفتاری است و نتوانسته است آن‌گونه که باید منصفانه عمل کند. شاید دلیل این دوگانگی‌ها، سلطه‌ی مسیحیت بر این دیوان هم در سطح ساختار دیوان و هم در اعضای کنوانسیون اروپایی حقوق بشر باشد. این‌گونه به نظر می‌رسد که این سلطه قدرت شنیدن ندای مخالفی که از ادیان دیگر بر می‌خیزد را تنزل بخشیده است.<sup>۲۳</sup>

دیوان اروپایی، در پرونده‌ای که علیه ترکیه و با ادعای حق بر آزادی دین در قالب پوشش اسلامی مطرح شده بود، به استناد طبیعت سکولار حکومت ترکیه و لزوم برابری میان افراد ادعای مزبور را رد کرد. اما همان‌طور که یکی از قضات این دیوان می‌گوید: دیوان نتوانسته است در مواجهه با قضایایی که به تعارض میان جوامع دینی مربوط می‌باشد، همیشه محدودیت‌های قضایی مشابهی را مقرر دارد.<sup>۲۴</sup> (ECtHR, Dissenting opinion of judge Tulkens, 2005: para. 2)

هرچند هرگاه دیوان و کمیسیون اروپایی حقوق بشر در توجیه تصمیمات خود، به مواد کنوانسیون اروپایی استناد جسته و تحت لوای استثنائات و مجوزهایی که این کنوانسیون مهیا ساخته است<sup>۲۵</sup>، اقدام به مشروع جلوه دادن عمل خود نموده است، اما نظر به امکان تفسیر موسع از چنین موادی و ظرفیت گسترده‌ی آن‌ها در تعبیر متنوع، به خصوص در برخورد دولت‌ها با پیروان اسلام مشاهده می‌شود که به راحتی حق‌های مورد ادعای خواهان‌ها را در پرتو استثنائات به ظاهر مشروع به رسمیت نشناخته است.<sup>۲۶</sup> این در حالی است که در مواردی که خواهان پرونده مسیحی بوده است یا در مواردی یهودی، دیوان یا کمیسیون به راحتی حق مورد ادعای آن‌ها را نقض شده دانسته و دولت مربوط را محکوم نموده است.<sup>۲۷</sup> به هر حال، درک این رویکرد قدری دشوار می‌نماید که در موضوع‌های تقریباً یکسان، در پرونده‌ای حق پوشش حجاب اسلامی که از ضروریات دینی است

را دیوان تأیید نمی‌کند و به تبع این عدم شناسایی قربانی نقض مزبور از حق بنیادین آموزش محروم می‌شود، (ECtHR, 2006: 15 and ECtHR, 2005: paras. 122-123) اما در موردی مشابه، منع خواهان از آویختن صلیب بر گردن خود را نقض حق بر آزادی دین می‌داند (ECtHR, 2013: para. 95) یا گذراندن یک واحد اجباری در مدرسه را در تعارض با ماده‌ی ۲ پروتکل اول به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر یعنی حق بر آموزش می‌داند، (ECtHR, 2007: para. 102) اما اخراج شدن از دانشگاه را خیر<sup>۲۸</sup>. اینجاست که با قاضی تولکنز (قاضی دیوان اروپایی حقوق بشر) باید همراه شد و گفت که دیوان در برخورد با حقوق دینی نتوانسته است یکسان عمل کند<sup>۲۹</sup>. (ECtHR, Dissenting opin- ion of judge Tulkens, 2005: para.2)

درواقع طبق اصلی که کمیسیون اروپایی حقوق بشر در پرونده‌های اسمیت علیه بریتانیا، ایکس علیه بریتانیا و خان علیه بریتانیا پذیرفت، عملی را در خصوص حقوق دینی در مقابل ضروریات اجتماعی باید مورد حمایت قرار داد که به موجب دین فرد ذی‌نفع از واجبات غیرقابل تخطی باشد (ECmHR, 1981: para. 6; ECmHR, 1978: 19; and ECmHR, 1986: 255) و طبیعی است که واجبات دینی را باید طبق مقررات دین ذی‌ربط استخراج کرد، (Supreme Court of Florida, 2000: 7) که این امر میسر نمی‌شود مگر در سایه‌ی وجود آگاهی در مورد احکام دین مقابل<sup>۳۰</sup>. دولت‌های سکولار نیز بیشتر با استناد با ویژگی سکولاریسم، راه محدود نمودن حقوق دین‌باوران را برای خود هموار می‌کنند. آن‌ها به بهانه‌ی لزوم حفظ این طبیعت حکومت‌داری افراد را در رسیدن به حق‌های اساسی خود محدود می‌کنند و به تبع آن تبعیض‌ها را فزون‌تر می‌کنند<sup>۳۱</sup>. این دولت‌ها در اکثر موارد با استناد به حفظ نظم جامعه‌ی دموکراتیک زمینه‌های نقض حقوق افراد را فراهم می‌آورند. در حالی که، هر آینه بایستی در چنین جامعه‌ای اصول سکولاریسم، برابری و آزادی به توازن وجود داشته باشد، نه اینکه یکی مغلوب دیگری گردد. (ECtHR, Dissenting opinion of judge Tulkens, 2005: para. 4)

کاستی‌های فوق، ناشی از فقدان چند چیز است: عدم شناخت آیین‌های دین مقابل، تا آن حد که به عنوان مثال استفاده از علامتی زینتی و غیرضروری را هم‌پای با پوششی می‌دانند که در دین مقابل، جزو واجبات قطعی و در زمره‌ی حقی بشری محسوب می‌شود. دوم، عدم وجود وحدتی که منجر به هم‌زیستی و درک متقابل گردد. یعنی آن‌چه سران ادیان و مذاهب اروپایی در اعلامیه‌ی تیرانا اظهار امید به ایجاد آن کردند: نهادینه کردن احساس

بخشش به جای کینه، ارتقای بردباری، فهم و هم‌زیستی و نه درگیری و خشونت و تقویت آموزش شهروندی و رعایت حقوق بشر. (The Tirana Declaration, 2004: art. 15) و سوم، افول تعصبات اعتقادی به مدد طلوع احترام متقابل.

علی‌ای‌حال، این چندپارگی در رفتار و بنیادگرایی را نمی‌توان زدود مگر به مدد گفتگوهای برآمده از باطن و نه ظاهر ادیان الهی، که این گفتگوها باید در ظرف زمان با عنصر استمرار به هم آمیزد تا در آتیه تولید یک فرهنگ همگانی نهادینه کند که تمام اهداف و مقاصد فوق را در خود داشته باشد و به یمن آن، جوامع انسانی شاهد هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، وحدت جمعی، تسامح، تحمل و چندگانه‌گرایی به دور از مرزبندی‌های دینی و اعتقادی باشد.

### ۳. نتایج قابل پیش‌بینی گفتگو میان ادیان الهی در ارتقای احترام به حقوق بشر

با گذر از دو گفتار پیشین و با امعان نظر به مطالب بیان شده در آن به لزوم انجام گفتگو میان ادیان الهی پی برده شد و در مقام ترسیم میزان ضرورت آن برای جامعه‌ی بین‌المللی به این مقصد نائل شدیم که اعتلای مقام انسانی و حفظ کرامت بشریت در گرو رسیدن به حد بالای تحمل و بردباری یکدیگر و اکتساب اخلاق جمعی و حفظ یگانگی در عین کثرت می‌باشد. همان‌طور که پیشتر گفته شد، از آنجایی که دین مهم‌ترین عنصر چگونه زیستن برای بشر است، در نتیجه می‌تواند با تفاوت‌ها و اختلافات خود، فاصله‌ی بشریت را از هم بیش از تحمل گرداند و جامعه را به ورطه‌ی هلاکت سپارد. از این‌رو، در نقطه‌ی مقابل، گفتگو بین ادیان به منظور تقریب ادیان الهی، «قلب گفتگوها است»<sup>۳۲</sup> تا موجب رهایی نسل‌های انسانی از آتش جنگ، نقض گسترده‌ی حقوق بشر گردد و زیست مسالمت‌آمیز آن‌ها را موجب شود.

با تحلیل مقدمات پیشگفته در گفتارهای قبل، از گفتگوی میان ادیان نتایج زیر حاصل می‌شود و به تجربه ثابت نمودیم که فقدان گفتگو میان ادیان موجب اضمحلال این نیک‌انجامی می‌شود.

### ۳-۱. کاهش هتک حرمت مقدسات دین باوران

افزایش نابردباری‌های مذهبی و افراطی‌گری در سال‌های اخیر رو به فزونی گراییده است به طوری که هتک حرمت قرآن کریم در ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۰ نیز در جریان این سبک جدید نابردباری‌ها قرار داشت. (فلاح‌پور، ۱۳۹۱: ۵) نمونه‌های دیگری از هتک حرمت ساحت مقدس محمد مصطفی(ص) نیز در اروپا به اشکال و انحای مختلف دیده شده

است. هر چند ماده‌ی ۲۰ میثاق حقوق مدنی و سیاسی که به طور کلی ایجاد تنفر دینی که منجر به تبعیض، تخاصم یا خشونت گردد را ممنوع ساخته است، اما در دیگر اسناد حقوق بشری چنین ممنوعیتی به ویژه در توهین به مقدسات مفاد صریحی موجود نیست. (فلاح پور، ۱۳۹۱: ۹۷)

اما از آنجایی که چنین اعمالی موجب نقض حقوق دیگران شده و مهم‌تر از آن به ایجاد ناامنی و تنازع خواهد انجامید، نمونه‌هایی از رویه‌ی قضایی در این خصوص موجود است. در پرونده‌ای کمیسیون اروپایی حقوق بشر بیان می‌دارد «هدف اصلی از جرم‌انگاری توهین به مقدسات، حمایت از حقوق شهروندان است تا به این وسیله عقاید و روحیات دینی آنان مورد تعرض قرار نگیرد». (ECmHR, 1982: para. 12) نمونه‌های دیگری نیز نزد دیوان اروپایی حقوق بشر مطرح شده است که رویکرد دیوان آن گونه بوده است که ضمن ترسیم مرز آزادی بیان، شکل توهین‌آمیز این اعمال را موجد جرم توهین به مقدسات دانسته است. (ECTHR, 1994: para. 45) اما در همه‌ی این موارد، آنچه صورت گرفته است، توهین به مقدسات مسیحیت است.

با تأیید جرم بودن و قابل مجازات بودن عمل توهین به مقدسات مسیحیت توسط مراجع قضایی اروپایی<sup>۳۳</sup>، با وحدت ملاک این امر را بالطبع باید در خصوص اسلام نیز قابل اجرا دانست که زمینه‌ی اجرای آن را بایستی در قالب گفتگوهای میان دینی فراهم آورد. گفتگوی ادیان به دو طریق موجب کاهش اینگونه اعمال می‌شود:

الف) با ارتقای بردباری و روحیه‌ی تحمل‌گرایی پیروان ادیان و احترام متقابل خودبه‌خود این‌گونه اعمال ستیزه‌جویانه و خصمانه را کاهش می‌دهد؛

ب) دادگاه‌های داخلی و بین‌المللی ادیان مختلف، خود را مکلف به مجازات توهین‌کنندگان به مقدسات سایر ادیان می‌دانند، همان‌گونه که این‌گونه اعمال را در رابطه با دین خود بی‌پاسخ نمی‌گذارند.

لذا اجرایی شدن بند دوم ماده‌ی ۲۰ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، جز در سایه‌ی همکاری‌های میان دینی دولت‌ها میسر نخواهد بود.

### ۲-۳. کاهش تبعیض بر مبنای اعتقاد

به یقین می‌توان گفت یکی از محسوس‌ترین ثمرات گفتگوهای میان دینی، کاهش - و اگر نگوئیم امحاء - تبعیضات مبتنی بر عقیده و دین در هر زمینه‌ای است. این نتیجه در پی تعاملات مسالمت‌آمیز سران و پیروان ادیان متبلور می‌شود.

گفتگوهایی که منجر به «هم‌زیستی ضمن وجود تفاوت‌ها»<sup>۳۴</sup> می‌شود و صرفاً نتیجه‌ی

همگامی و همیاری برای یافتن «خوبی» و «درستی»، فارغ از اعتقادات سنتی متمایز و افتراقات عشیره‌ای و دینی و فرهنگی است<sup>۳۵</sup>؛ قطعاً از تعصبات دینی کاسته، آستانه‌ی تحمل سران و پیروان را بالا برده و روحیه‌ی دیگرپذیری را در آن‌ها تقویت می‌کند تا آن‌ها را مستعد احترام و رعایت حق‌های پیروان ادیان دیگر بگرداند.

تجربه نشان داده است که اسناد و هنجارهای حقوق بشری، به تنهایی قادر به مهار کردن جولان حاکمیت‌ها نبوده و به خصوص در خصوص ممنوعیت تبعیض نتوانسته است به آرمان‌های خود دست یابد. (Fenwick and Kerrigan, 2008: 290) یکی از موارد تبعیض، تبعیض دینی است که مبرهن به نظر می‌آید که در این خصوص، خود دین و فرآیند تعامل و تبادل اندیشه‌ها میان سران و پیروان آن‌ها می‌تواند به یاری اسناد حقوق بشری شتافته و بر استحکام و کارایی آن‌ها بیفزاید.

### ۳-۳. کاهش ارتکاب جرایم علیه بشریت

قطعاً گفتگوی میان ادیان برای پیشگیری از مخاصمات مسلحانه نقش به‌سزایی دارد و برای صلح از ضروریات است، اما این‌جا صرفاً در صدد نتایج حقوق بشری گفتگوهای میان ادیان هستیم و از طرف دیگر در باب جنگ‌های مذهبی و عقیدتی در گفتار نخست سخن گفته شد.

به همان دلایلی که در بند پیشین گفته آمد، گفتگوهای ادیان و تبادل افکار می‌تواند از نابردباری‌های ستیزه‌جویانه و عقده‌های عقیده‌ای کاسته و حاکمان را در رفتار با پیروان ادیان دیگر ملایم‌تر کرده و نگاه آن‌ها را مساوات‌پندار و دید آنان را مبتنی بر برابری میان مردم هم‌کیش و غیر آن بسازد.

### ۳-۴. افزایش صدور آرای منصفانه در زمینه‌ی حق‌های بشری توسط محاکم بین‌المللی

در خصوص انجام محاکمات عادلانه و روبه‌ی منصفانه‌تر محاکم بین‌المللی به دو لحاظ گفتگوی میان ادیان می‌تواند تأثیرگذار باشد:

نخست، آشنایی کافی از احکام و هنجارهای دینی قربانیان نقض حقوق بشر دیوان‌ها و دادگاه‌های بین‌المللی را در صدور احکام و آرای دارای استحکام و قاطعیت بیشتر می‌کند. این مراجع در حالتی که ادعای نقض حقوقی دینی و یا حق‌های دیگر بر پایه‌ی تفاوت‌های دینی شده است، می‌توانند با آگاهی کافی که از دین مقابل دارند، اقدام به صدور رأیی شایسته بکنند. با مثال‌هایی مقصود خود را روشن می‌سازیم: کمیسیون اروپایی حقوق

بشر در رأیی که در آن ادعای نقض حق بر عمل به مناسک دینی شده بود، این اختلاف مابین خواهان و خوانده وجود داشت که آیا حضور در نماز جمعه که خواهان از آن به علت مقررات آموزشی محروم شده بود، از واجبات یا به تعبیر کمیسیون از ضروریات دین اسلام است یا خیر؟ (ECmHR, 1981: para. 6) دولت بریتانیا بر آن بود که دین اسلام اجازه‌ی عدم حضور در نماز جمعه را داده است (ECmHR, 1981: para. 6) اما خواهان بیان داشت که وظیفه‌ی او به عنوان یک مسلمان است که نظر به نزدیک بودن محل کارش به مسجد، در مراسم نماز جمعه حضور یابد. (ECmHR, 1981: para. 8) دیوان می‌بایست این اختلاف را به موجب احکام دین اسلام حل می‌نمود. اما کمیسیون از پرداختن به این موضوع حذر می‌کند و در نهایت ادعای نقض حق مزبور را با اعطای اولویت به قرارداد استخدامی خوانده و تعهد به حضور در مدرسه رد می‌کند. (ECmHR, 1981: para. 10-12) بنابراین، در سایه‌ی آشنایی و آگاهی کافی داشتن با احکام دین مقابل، قضات این نهاد می‌توانستند به راحتی به این نتیجه برسند که برای مسلمان در صورتی که در نزدیکی محل اقامه‌ی نماز جمعه به سر برد، توجیه مشروعی برای عدم حضور مکرر در نماز جمعه وجود نخواهد داشت<sup>۳۶</sup>، چه بسا که الزام در مقابل قراردادی استخدامی قرار گیرد.

دوم، با نهادینه شدن فرهنگ تحمل و دیگرپذیری در جوامع، این فرهنگ قطعاً وارد مراجع رسمی رسیدگی و نهادهای قضایی نیز می‌شود. برخورد دوگانه‌ی مراجع قضایی بین‌المللی در مواجهه با پیروان ادیان خود گواه بر عدم وجود چنین فرهنگی و نوسانات رفتاری جاریه می‌باشد. نمونه‌ی این برخورد متعارض را در خصوص «شاهدان یهوه»<sup>۳۷</sup> به وضوح می‌بینیم. منصرف از بحث مذهب محسوب شدن یا نشدن این فرقه، می‌بینیم که رویه‌ی دیوان و کمیسیون اروپایی حقوق بشر به شدت در جهت مخالفت با نشر و گسترش این شاخه از دین مسیحیت بوده و با پیروان آن نیز به همین طریق رفتاری خصمانه دارند<sup>۳۸</sup>. این برخورد به دو جهت قابل تأمل است: اولاً اینکه این برخورد شدید اگر به این علت باشد که پیروان این عقیده شاخه‌ای به زعم آنان منحرف از مسیحیت هستند، چرا همین مراجع چنین برخوردی مبنی بر عدم شناسایی شاخه‌های منحرف سایر ادیان مثل اسلام از خود نشان نمی‌دهند<sup>۳۹</sup>. ثانیاً، این برخورد شدید دیوان و کمیسیون اروپایی در حالی است که نهاد مشابه او در قاره‌ی آفریقا، رویه‌ای دقیقاً عکس آن را دارند. کمیسیون آفریقایی حقوق بشر در پرونده‌ای به صراحت «شاهدان یهوه» را به موجب ماده‌ی ۸ منشور بانجول مورد حمایت قرار می‌دهد. در این پرونده که ادعای تعقیب،

بازداشت خودسرانه و دستگیری و ممانعت از دست‌یابی به آموزش در حق پیروان این عقیده مطرح شده بود، کمیسیون این اعمال را نقض ماده‌ی ۸ منشور آفریقایی و حق بر آزادی دین دانست. (ACHPR, 1995: para. 45)

### ۳-۵. کاهش تندروی‌های حکومت‌ها در برخورد با دین‌باوران

دین‌داران، یا در داخل مرزهای یک کشور که حکومتی لائیک و سکولار دارد دچار محدودیت‌های بسیاری در خصوص برخی حقوق اساسی خود می‌شوند (بنگرید به گفتار دوم این نوشتار) یا در کشورهای با رسمیت دین دیگر قربانی تبعیض‌های ناروا، که نمونه‌های آن بسیار است و به اندکی از آن‌ها در گفتار نخست اشاره رفت و تکرار گفته‌ها زیننده نمی‌نماید.

با فراگیر نمودن گفتگوهای بین ادیان و ریشه‌ای شدن این فرایند در سطح حاکمان و سران حکومت‌ها، لااقل الزامی معنوی شکل می‌گیرد که به احترام به ادیان مقابل و پیروان آن‌ها به چشم یک تعهد و نزاکت بین‌المللی نگریسته شود. این تنها راهی است که به نظر می‌آید بتواند با گفتگوی بین دین‌ها، توان به بند کشیدن رفتارهای افسار گسیخته‌ی حاکمان حاصل گردد.



## نتیجه گیری

به این ترتیب، در سرانجام این مقاله، هرچند مختصر و هرچند مجمل نتایجی به دست آمد که بنا بر آن دوری ادیان الهی به طور کلی به دو گونه موجب نقض بیشتر حقوق بشر در جامعه‌ی جهانی می‌شود. یا بر پایه‌ی تبعیض‌ها و رفتارهای دوگانه‌ای که علیه پیروان دیگر ادیان یا مذاهب صورت می‌یابد که عموماً بر مبنای تبعیضات اعتقادی استوار است و یا با عدم شناخت مکفی و لازم از حقوق و تکالیفی که ادیان دیگر برای پیروان خود در نظر گرفته‌اند، حقوق بشری آن افراد به درستی مورد احترام و رعایت قرار نمی‌گیرد. ملاحظه شد که با نزدیک‌تر شدن ادیان به همدیگر و در حقیقت پیروان ادیان به همدیگر، خود به خود هم دامن تبعیض برچیده می‌شود و هم با حصول شناخت از دین مقابل و پدیداری وحدت بیشتر میان ادیان حق‌های افراد بهتر تضمین شده و به اجرا در خواهند آمد. آنچه محرز گردید این است که ادیان را جز به واسطه‌ی «گفتگوهای میان دینی» یا «گفتگوی ادیان» نمی‌توان به هم نزدیک کرد. ضرورت این گفتگو بر کسی پوشیده نیست و هم‌قطار با بسیاری از اندیشمندان باید این نوع گفتگو را حیاتی‌ترین گفتگوی بشریت دانست.

در پایان، افزون بر نتایج به دست آمده، به نظر می‌رسد در جهت بهبود و افزایش کارایی گفتگوهای آتی میان دینی باید به موارد ذیل نیز توجه کرد:

- مواجهه‌ی پیروان دین یا عقیده‌های متفاوت باید در فضایی باز و آزاد صورت گیرد که هر طرف بتواند طرف دیگر را درک کند و خود نیز درک شود.

- مرادفات باید بر مبنای یافته‌های «صحیح» و «برحق» مشترک در هر دو طرف بحث، انجام شود. اندیشه‌ی صحیح باید گفته شود و سپس به دنبال کسی گشت که آن را پی ریزخته است.

- همگامی و همکاری در یافتن آنچه «خوب» و «حق» است، فارغ از طرف‌های آن.

- «گفتگوهای میان دینی نباید به مطالعه‌ی ادیان جهان و یا مقایسه‌ی آن‌ها (در تئوری و دکترین) با همدیگر ختم شود، هرچند که این‌گونه مطالعات پر اهمیت جلوه‌گر شود»<sup>۴۰</sup>.

- این گفتگوها نباید بر محور بیان اختلافات علمی و تردیدهای تاریخی میان علما به منظور این‌که کدام درست و کدامین غلط است، انجام شود.

- گفتگوها، نباید دادگاهی باشد که به نظریات و رویه‌ها رسیدگی کند تا آنچه را مانعی حل نشده می‌داند از دایره‌ی اجرا خارج سازد.

- این گفتگوها نباید صرفاً یک تبادل اطلاعات ساده در مورد اعتقادات دینی هر کدام از طرف‌ها باشد.

## یادداشت‌ها

۱. بند سوم ماده‌ی اول منشور ملل متحد را می‌توان طلایه‌دار نهضت مقابله با تبعیض به دلایل - از جمله - دینی و مذهبی دانست. در این بند، ترویج و تشویق حقوق بشر و آزادی‌های اساسی به دور از افتراقات نژادی، جنسی، زبانی و مذهبی به عنوان یکی از اهداف منشور بیان شده است. این رویکرد مقابله با هرگونه تبعیض در تمامی اسناد حقوق بشری نیز دنبال شده است. جهت ملاحظه، بنگرید به:

- دکتر اردشیر امیرارجمند، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر: اسناد جهانی (قسمت اول)، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۶. یا

- Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, The Core International Human Rights Treaties, UN Publication, New York and Geneva, 2006.

2. See: human rights committee post on: [http://www.ohchr.org/EN/Issues/Discrimination/Pages/discrimination\\_religious.aspx](http://www.ohchr.org/EN/Issues/Discrimination/Pages/discrimination_religious.aspx) (last visited in: 25/02/2014)

3. European Monitoring Center on Racism and Xenophobia (EUMC)

4. See: The EUMC's reports on anti-Muslim reactions within the European Union after the 9/11 attacks, available at: [http://fra.europa.eu/fra/index.php?fuseaction=content.dsp\\_cat\\_content&catid=3fb38ad3e22bb&contentid=3fb4f8d82d72a](http://fra.europa.eu/fra/index.php?fuseaction=content.dsp_cat_content&catid=3fb38ad3e22bb&contentid=3fb4f8d82d72a)

And EUMC's report on Muslims in the European Union, Discrimination and Islamophobia, 2006, is Available at: [http://fra.europa.eu/sites/default/files/fra\\_uploads/156-Manifestations\\_EN.pdf](http://fra.europa.eu/sites/default/files/fra_uploads/156-Manifestations_EN.pdf)

5. The text of this report is Available at:

<http://www.state.gov/j/drl/rls/irf/religiousfreedom/index.htm#wrapper>

۶. اقدام به بازداشت‌های غیرقانونی، توقیف یا حبس کروات‌های بوسنیایی، مسلمانان بوسنیایی و سایر شهروندان غیرصرب به دلایل سیاسی، نژادی و مذهبی (دینی) و اعمال تبعیض بر این مینا در این پرونده به اثبات رسیده است. (ICTY, 2003: 279)

7. Charles V

8. Schmalkaldic

9. Duke of Brunswick

۱۰. جهت مطالعه‌ی تفصیلی و تاریخی جنگ‌های سی ساله، بنگرید به:

\* Peter H Wilson, Europe's Tragedy: A History of the Thirty Years War, Penguin Books, 2010.

\* Richard Bonney, The Thirty Years' War 1618-1648, Osprey Publishing, 2002.

\* J. P. Cooper, The New Cambridge Modern History, Vol. 4: The Decline of Spain and

the Thirty Years War 1609-48 59, Cambridge University Press, 1970.

\* Geoffrey Parker (Editor), The Thirty Years' War, Taylor & Francis e-Library, 2006

11. King Henry II (r.1547-1559)

12. <http://www.abytheliberal.com/violence/religion-kills-crimes-against-humanity-by-christianity>

۱۳. مقصود، زمان نگارش مقاله یعنی روزهای پایانی اسفندماه ۱۳۹۲ می باشد.

14. See: Human Rights Watch, Central African Republic: Muslims Forced to Flee, FEBRUARY 12, 2014.

Available at: <http://www.hrw.org/news/2014/02/12/central-african-republic-muslims-forced-flee> (last visited in: 1/3/2014)

15. Peter Bouckaert, Emergencies director at Human Rights Watch

16. The text is Available at: [http://christopherbuck.com/Buck\\_PDFs/Buck\\_2013\\_Science\\_Religion.pdf](http://christopherbuck.com/Buck_PDFs/Buck_2013_Science_Religion.pdf) (last visited in: 29/2/2014)

17. See: "A Time for Inspired Leadership and Action Final Draft— world religions summit, June 23, 2010",

Available at: [http://www.ekd.de/download/world\\_religions\\_summit2010\\_statement\\_final.pdf](http://www.ekd.de/download/world_religions_summit2010_statement_final.pdf)

۱۸. به عنوان مثال در نظریه‌ی جداگانه‌ی قاضی لبنانی، فؤاد عمون، در قضیه‌ی فلات قاره‌ی دریای شمال مشاهده می‌شود که نظریه‌اش به قواعد حقوقی اروپایی نزدیک‌تر است تا قواعد اسلام و به نظر می‌آید با قواعد اروپایی آشنا تر و نسبت به اعمال آن‌ها قاطع تر است. (Lombardi, 2007: 25)

19. United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran (United States of America v. Iran), ICJ Judgment 1980, P. 40, para. 86

۲۰. به زعم برخی از نویسندگان، این ارجاع در رویه‌ی دیوان غیرمعمول بوده و شکل دفاعی داشته و قطعاً به این دلیل انجام گرفته که دیوان در خصوص انقلاب اسلامی ایران می‌خواست است صحبت کند و نیاز دید که به منظور مشروع ساختن تصمیم خود در نگاه جهان اسلام استنادی غیر معمول ایراد کند. (Clark B. Lombardi, op cit, p. 29)

21. ECtHR

22. ECmHR

۲۳. زمانی، دکتر سیدقاسم و حسینی آزاد، سیدعلی، تأملی در برخورد دیوان اروپایی حقوق بشر با ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بر پایه پرونده لایلا شاهین، دو فصلنامه‌ی مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال سوم، شماره ۶، ۱۳۹۳: ۴۹

24. See also: Serif v. Greece, Application no. 38178/97, ECtHR 1999-IX, and Met-

ropolitan Church of Bessarabia and Others v. Moldova, Application no. 45701/99, ECtHR, 2001-XII

۲۵. مانند بند دوم ماده‌ی ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که به دولت‌ها اجازه داده است تا آزادی اظهار یک دین یا عقیده را موضوع محدودیت‌هایی قرار دهد که توسط قانون برای جامعه‌ای دموکراتیک و به نفع امنیت عمومی و برای حمایت از نظم، بهداشت یا اخلاق عمومی یا برای حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران لازم تشخیص داده شده باشد.

26. See for example: Leyla Şahin v. Turkey, Application no. 44774/98, ECtHR, 10 November 2005; KÖSE AND 93 OTHERS v. TURKEY, Application no. 26625/02, ECtHR, 2006; KURTULMUŞ v. TURKEY, Application no. 65500/01, ECtHR, 2006.

27. See: KIMLYA AND OTHERS v. RUSSIA, Applications Nos. 76836/01 and 32782/03, ECtHR, 2009; EWEIDA AND OTHERS v. THE UNITED KINGDOM, Applications Nos. 48420/10, 59842/10, 51671/10 and 36516/10, ECtHR, 2013; FOLGERØ AND OTHERS v. NORWAY, Application No. 15472/02, ECtHR, 2007.

28. DAHLAB v. SWITZERLAND, Application no. 42393/98, ECtHR, 2001; and Leyla Şahin v. Turkey, Application no. 44774/98, ECtHR, 10 November 2005.

۲۹. زمانی، دکتر سیدقاسم و حسینی آزاد، سیدعلی، تأملی در برخورد دیوان اروپایی حقوق بشر با ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بر پایه پرونده لیلا شاهین، دو فصلنامه‌ی مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال سوم، شماره ۶، ۱۳۹۳: ۵۰.

۳۰. زمانی، دکتر سیدقاسم و حسینی آزاد، سیدعلی، تأملی در برخورد دیوان اروپایی حقوق بشر با ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بر پایه پرونده لیلا شاهین، دو فصلنامه‌ی مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال سوم، شماره ۶، ۱۳۹۳: ۴۴.

31. See for example: Leyla Şahin v. Turkey, Application no. 44774/98, ECtHR, 10 November 2005; KÖSE AND 93 OTHERS v. TURKEY, Application no. 26625/02, ECtHR, 2006; KURTULMUŞ v. TURKEY, Application no. 65500/01, ECtHR, 2006.

32. Leonard Swidler and Paul Mojzes, THE HISTORY OF INTERRELIGIOUS DIALOGUE—INTO THE FUTURE, p. 2.

Available at: <http://xa.yimg.com/kq/groups/13822394/628965370/name/THE+HISTORY+OF+INTERRELIGIOUS+DIALOGUE++CURRENT.pdf>

۳۳. جهت مطالعه‌ی تفصیلی بنگرید به: فلاح پور، پیشین: ۱۰۶ - ۹۷

34. DEAN-FASSFrederic Ntedika Mvumbi, PRINCIPLES FOR INTERRELIGIOUS DIALOGUE, VIEWPOINT OF THE CHURCH, p. 8

35. ibid

۳۶. بسیاری از منابع روایی اسلامی از شیعه و اهل سنت به این امر تصریح کرده‌اند. بنگرید به منابع ذیل:

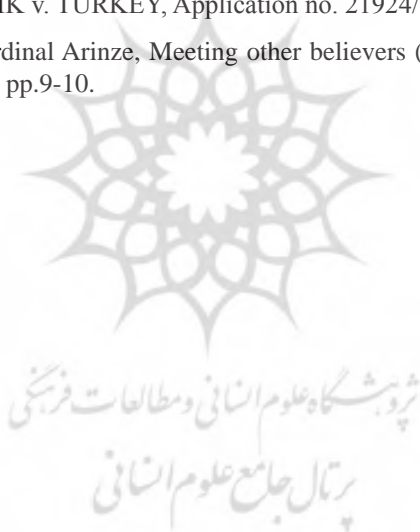
احمد بن علی نسائی، سنن النسائی، ج ۳: ۸۹-۸۵، به شرح جلال الدین سیوطی و حاشیه نورالدین بن عبدالهادی سندی، استانبول ۱۴۰۱/۱۹۸۱؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعۀ، ج ۷: ۲۹۵-۳۰۲، حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۶، قم، ۱۴۰۷: ۱۰ و ۲۷؛ محمد شوکانی، نیل الاوطار: شرح منتقى الاخبار من احادیث سید الاخبار، ج ۳، مصر: شرکه مکتبه و مطبعه مصطفی البابی الحلبي، بی تا: ۲۵۴-۲۵۵؛ محمد بن حسن طوسی، کتاب الخلاف، ج ۱، قم، ۱۴۱۷: ۵۹۳؛ و جعفر بن حسن محقق حلّی، المعبر فی شرح المختصر، ج ۲، قم، ۱۳۶۴ ش: ۲۷۴. ۳۷. شاهدان یهوه (Jehovah's Witness) فرقه‌ای مذهبی هستند که از شاخه‌های مسیحیت محسوب می‌شوند. بنگرید به آدرس ذیل:

<http://www.jw.org/en/jehovahs-witnesses/> (last visited in 6/10/2013)

38. See: Palau-Martinez v. France, Application No. 64927/01, ECtHR, 2003; Hoffmann v. Austria, Application No. 12875/87, ECtHR, 1993; and BAYATYAN v. ARMENIA, Application no. 23459/03, ECtHR, 2011.

39. See: SINAN IŞIK v. TURKEY, Application no. 21924/05, ECtHR, 2010.

40. Cf. Francis Cardinal Arinze, Meeting other believers (Nairobi: Paulines Publications Africa, 1997), pp.9-10.



## منابع

- قرآن کریم

## منابع فقهی

- احمد بن علی نسائی، سنن النسائی، به شرح جلال الدین سیوطی، ج ۳.
- جعفر بن حسن محقق حلّی (۱۳۶۴ش)، المعتبر فی شرح المختصر، قم، ج ۲.
- حاشیه نورالدین بن عبدالهادی سندی (۱۹۸۱/۱۴۰۱)، استانبول.
- حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۷.
- حسین بن محمدتقی نوری (۱۴۰۷)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، ج ۶.
- محمد شوکانی، نیل الاوطار (بی تا)، شرح منتقى الاخبار من احادیث سید الاخبار، مصر: شرکه مکتبه و مطبعه مصطفی البابی الحلبی، ج ۳.
- محمد بن حسن طوسی، (۱۴۱۷)، کتاب الخلاف، قم، ج ۱.

## منابع فارسی

- امیرارجمند، دکتر اردشیر (۱۳۸۶)، مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر: اسناد جهانی (قسمت اول)، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- زمانی، دکتر سیدقاسم و حسینی آزاد، سیدعلی (۱۳۹۱)، «تأملی در برخورد دیوان اروپایی حقوق بشر با ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بر پایه پرونده لیلا شاهین»، دو فصلنامه‌ی مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال سوم، شماره ۶.
- فلاح پور، مرتضی (۱۳۹۱)، «حرمت کتب آسمانی در اسلام و حقوق بین الملل؛ با تأکید بر

واقعه‌ی اخیر هتک حرمت قرآن در آمریکا»، *پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی حقوق بین‌الملل*، تهران: دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.

## منابع انگلیسی

### A. Books

- Basedau, Matthias and Vüllers, Johannes (2010), *Religion and Armed Conflict in Sub-Saharan Africa 1990, to 2008 – Results from a New Database*, Pan-European Conference on IR, Stockholm.
- Bonney, Richard (2002), *The Thirty Years' War 1618-1648*, Osprey Publishing.
- Buck, Christopher (2013), *Religions Share Enduring Values*, published in *World Religions: Belief, Culture, and Controversy*, Santa Barbara, CA: ABC-CLIO.
- Cooper, J. P. (1970), *The New Cambridge Modern History*, Vol. 4: The Decline of Spain and the Thirty Years War 1609-48 59, Cambridge University Press.
- Fenwick, Helen and Kerrigan, Kevin (2008), *Civil Liberties and Human Rights*, Routledge-Cavendish Q&A series.
- Housley, Norman (2002), *Religious Warfare in Europe, 1400–1536*, Oxford University Press, First published.
- Knecht, Robert (2002), *French religious wars 1562-1598*, Osprey Publishing.
- Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights (2006), *The Core International Human Rights Treaties*, UN Publication, New York and Geneva.
- Parker, Geoffrey (Editor) (2006), *The Thirty Years' War*, Taylor & Francis e-Library.
- Repgen, K. (1987), 'What is a "Religious War"?' in E. I. Kouri and T. Scott (eds.), *Politics and Society in Reformation Europe*, London: Macmillan.
- Swidler, Leonard and Mojzes, Paul (2000), *The Study of Religion in an Age of Global Dialogue*, Philadelphia: Temple University Press.

- Weller, Paul (2011), **Religious discrimination in Britain: A review of research evidence, 2000-10**, Equality and Human Rights Commission, Manchester.

- Wilson, Peter. H (2010), **Europe's Tragedy: A History of the Thirty Years War**, Penguin Books.

### B. Articles

- Lombardi, Clark B. (2007), "Islamic Law in the Jurisprudence of the International Court of Justice: An Analysis", **Chicago Journal of International Law**, vol. 85.

- Mirdamadi, Seyyed Abodlmajid (2011), "Theoretical Foundations of Cultural Ties b tween Asian Nations", **Dialogue, Center for Interreligious Dialogue (CID)**, Vol. 3, No. 3.

- Mokhtari, Mohammad Hussein (2013), "Opportunities and Challenges for the Transfer of Achievements of Dialogue among Religions to the Society", **Dialogue, Center for Interreligious Dialogue (CID)**, Vol. 6, No. 2.

- Rasoulipour, Rasoul (2011), "Religion and Society", **Dialogue, Center for Interreligious Dialogue (CID)**, Vol. 1, No. 1.

### C. Online Articles

- DEAN-FASSFrederic Ntedika Mvumbi, **Principles for Interreligious Dialogue**, Viewpoint of the Church.

- EUMC, **Muslims in the European Union. Discrimination and Islamophobia**, 2006.

- Human Rights Watch (2014), Central African Republic: Muslims Forced to Flee, FEBRUARY 12.

- Suzanne Trimel (1998), **Researchers Study the Role of Religion in World's Armed Conflicts, and Seek Solutions**, Columbia University in the City of New Yourk, VOL. 23, NO. 24.

- Swidler, Leonard and Mojzes (1998), Paul, **THE HISTORY OF INTER-RELIGIOUS DIALOGUE—INTO THE FUTURE**.

### D. Documents and Official reports

- **The "TIRANA" Summit Declaration on Inter-Religious and Inter-Eth-**



*nic Dialogue in Sought-East Europe* (10 December, 2004), Tirana, Albania.

- European Council of Religious Leaders (March 2008), **The Berlin Declaration on Interreligious Dialogue.**

- European Network against Racism (October 2007), **Religious Discrimination and Legal Protection in the European Union**, Fact Sheet N°34,

- EUMC, **The EUMC's reports on anti-Muslim reactions within the European Union after the 9/11 attacks.**

- EUMC (2006), **Muslims in the European Union: Discrimination and Islamophobia.**

- U.S. Department of state, Bureau of Democracy, **International Religious Freedom Report for 2012**, Human Rights and Labor.

- Human Rights Watch, **Country Summary of January 2012 for Saudi Arabia.**

- **A Time for Inspired Leadership and Action Final Draft** (June 23, 2010), world religions summit, .

- Cf. Francis Cardinal Arinze (1997), **Meeting other believers**, Nairobi: Paulines Publications Africa.

### **E. Case Law**

- **John D. Freeman v. State of Florida**, Supreme Court of Florida, Nos. SC79651, SC89199, June 8, 2000.

- **Questions of Interpretation and Application of the 1971 Montreal Convention arising from the Aerial Incident at Lockerbie** (Libyan Arab Jamahiriya v. United States of America), separate opinion of Judge El-Kosheri, ICJ Judgment 1998.

- **Western Sahara**, Separate Opinion of Vice-President Ammoun (translation), ICJ Reports 1975.

- **United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran** (United States of America v. Iran), ICJ Judgment 1980.

- **PROSECUTOR v. BLAGOJE SIMIĆ, MIROSLAV TADIĆ and SIMO ZARIĆ**, ICTY Judgement of 17 October 2003.

- *Amnesty International, Comité Loosli Bachelard, Lawyers' Committee for Human Rights, Association of Members of the Episcopal Conference of East Africa V. Sudan*, African Commission on Human and Peoples' Rights, Communication Numbers: 48/90, 50/91, 52/91 and 89/93.

- *Free Legal Assistance Group and Others v. Zaire*, Communication No. 25/89, 47/90, 56/91, 100/93, African Commission on Human and Peoples' Rights, 1995.

- *Serif v. Greece*, Application no. 38178/97, ECtHR 1999-IX.

- *Metropolitan Church of Bessarabia and Others v. Moldova*, Application no. 45701/99, ECtHR, 2001-XII.

- *Leyla Şahin v. Turkey*, Application no. 44774/98, ECtHR, 10 November 2005.

- *KÖSE AND 93 OTHERS v. TURKEY*, Application no. 26625/02, ECtHR, 2006.

- *KURTULMUŞ v. TURKEY*, Application no. 65500/01, ECtHR, 2006.

- *KIMLYA AND OTHERS v. RUSSIA*, Applications Nos. 76836/01 and 32782/03, ECtHR, 2009.

- *EWEIDA AND OTHERS v. THE UNITED KINGDOM*, Applications Nos. 48420/10, 59842/10, 51671/10 and 36516/10, ECtHR, 2013.

- *OTTO-PREMIINGER-INSTITUT v. AUSTRIA*, Application no. 13470/87, ECtHR, 1994.

- *FOLGERØ AND OTHERS v. NORWAY*, Application No. 15472/02, ECtHR, 2007.

- *Palau-Martinez v. France*, Application No. 64927/01, ECtHR, 2003.

- *KÖSE AND 93 OTHERS v. TURKEY*, Application no. 26625/02, ECtHR, 2006.

- *Hoffmann v. Austria*, Application No. 12875/87, ECtHR, 1993.

- *BAYATYAN v. ARMENIA*, Application no. 23459/03, ECtHR, 2011.

- *SİNAN IŞIK v. TURKEY*, Application no. 21924/05, ECtHR, 2010.

- *DAHLAB v. SWITZERLAND*, Application no. 42393/98, ECtHR, 2001.
- *X. v. United Kingdom*, Application No. 8160/78, ECmHR, 1981.
- *Arrowsmith v. United Kingdom*, Application No. 7050/75, ECmHR, 1978.
- *Khan v. United Kingdom*, Application No. 11579/85, ECmHR, 1986.
- *X. Ltd. and Y. v. UNITED KINGDOM*, Application No. 8710/79, ECmHR, 1982.

## F. Official Websites

- [http://fra.europa.eu/sites/default/files/fra\\_uploads/156-Manifestations\\_EN.pdf](http://fra.europa.eu/sites/default/files/fra_uploads/156-Manifestations_EN.pdf)
- <http://www.columbia.edu/cu/record/23/24/27.html>
- [http://www.ohchr.org/EN/Issues/Discrimination/Pages/discrimination\\_religious.aspx](http://www.ohchr.org/EN/Issues/Discrimination/Pages/discrimination_religious.aspx)
- <http://www.achpr.org/communications/decisions/?q=Amnesty+International>
- [http://fra.europa.eu/fra/index.php?fuseaction=content.dsp\\_cat\\_content&catid=3fb38ad3e22bb&contentid=3fb4f8d82d72a](http://fra.europa.eu/fra/index.php?fuseaction=content.dsp_cat_content&catid=3fb38ad3e22bb&contentid=3fb4f8d82d72a)
- [http://fra.europa.eu/sites/default/files/fra\\_uploads/156-Manifestations\\_EN.pdf](http://fra.europa.eu/sites/default/files/fra_uploads/156-Manifestations_EN.pdf)
- <http://www.state.gov/j/drl/rls/irf/religiousfreedom/index.htm#wrapper>
- <http://www.abytheliberal.com/violence/religion-kills-crimes-against-humanity-by-christianity>
- <http://www.hrw.org/news/2014/02/12/central-african-republic-muslims-forced-flee>
- [http://christopherbuck.com/Buck\\_PDFs/Buck\\_2013\\_Science\\_Religion.pdf](http://christopherbuck.com/Buck_PDFs/Buck_2013_Science_Religion.pdf)
- [http://www.ekd.de/download/world\\_religions\\_summit2010\\_statement\\_final.pdf](http://www.ekd.de/download/world_religions_summit2010_statement_final.pdf)
- <http://xa.yimg.com/kq/groups/13822394/628965370/name/THE+HISTORY+OF+INTERRELIGIOUS+DIALOGUE+-+CURRENT.pdf>
- <http://www.jw.org/en/jehovahs-witnesses>

Received Date: 22/04/2016

Accepted Date: 08/09/2016

## Promotion of Respect to Human Rights' Norms and Rules in Shadow of Inter-Religious Dialogues

Seyed Ali Hosseini Azad<sup>1</sup>

Masoud Raei<sup>2</sup>

### Abstract

Despite the appearance of numerous written and customary human rights rules, the human society still suffers from the inefficiency of these rules, caused by governments, under the legal and apparently legitimate justifications. International courts and tribunals have always been affected by this deficiency. One can find the grounds for such disruptive behavior, most of which are rooted in social backgrounds, and beyond the scope of this article. However, ideological approaches has been the one of most significant factors that always and everywhere has led to public social change, the most prominent of which being "Religious Beliefs". This factor can, through affecting the behavioral ways and norms of the individuals, lead them (as both subjects and objects of the rules) to ways that rulers domination Criteria on subjects are also affected by those teachings and views that religion has brought for them. It will not be possible except through dialogue and exchange of ideas among great religions and believers to them. That exchange of ideas leads to three results: relative unity, mutual respect and more complete awareness (about all the rights). This article, by conducting a research in states practices, available documents and international courts case law, and by studying the defects in international practice which are rooted in religions being away from each other, intends to provide a comprehensive plan that based on its findings suggests, one of the ways to reach the universal observance and respecting the human rights, not fully realized in the context of international instruments, would be the interreligious dialogue and mutual use of their thoughts.

**Keywords:** Dialogue, Divine religions, Human rights, Discrimination, Peaceful symbiosis, Unity.

1. LL.M. in International Law, Allame Tabatabayi University, Tehran, Iran. Email: saha\_110@phu.iaun.ac.ir.

2. Professor assistant at Najaf abad branch, Islamic Azad University, Najaf abad, Esfahan, Iran.